

عربی، زبان قرآن (۲)

۱ ترجم الکلمات التي تحتها خط: (۱ نمره)

الف) إِنَّهُ يُعَرِّضُ نَفْسَهُ لِسُلْطَتِهِمْ.

ب) هَلْ تَلْعَبُ بِكُلِّ حَمَائِسٍ يَا لَاعِبٌ؟

ج) هَلْ أَنْتَ أَجَلٌ مِنْ هَذَا الرَّجُلِ؟

د) أَسْعَارُ السَّرَاوِيلِ غَالِيَةٌ جِدًّا هُنَا.

مشاوره هر کلمه عربی که در کتاب درسی وجود دارد، ممکن است در این سؤال مورد پرسش قرار بگیرد، پس معنی تمام کلمات را یاد بگیرید و فقط به کلمات جدید درسها اکتفا نکنید. البته که نیاز به حوصله و زحمت زیادی دارد، اما ۲۰ گرفتن ارزش این زحمتهای را دارد.

راهنمای تصحیح

الف) تهمت‌ها (۰/۲۵) (صفحه ۵۰)

ب) شور و شوق، غیرت، هیجان (۰/۲۵) (صفحه ۴۰) (ذکر یک مورد کافی است)

ج) گران‌قدرتر (۰/۲۵) (صفحه ۲۱)

د) قیمت‌ها (۰/۲۵) (صفحه ۱۰)

۲

عین: الف) المترادف لِكَلِمَةِ «فَرٍّ» و ب) المتضادّ لِكَلِمَةِ «لین» في العبارتین التالیّتیّن: (۵/۰ نمره)

- هذا التلميذُ تَهَرَّبَ مِنْ أداءِ واجباتِهِ الدَّرَاسِيَّةِ و عَصَى أوامرَ مُعَلِّمِهِ.

- اجتنَبُوا الكلامَ الخَشِنَ لِأَنَّ خُسُونَةَ الكلامِ يَجْلِبُ لَكَ المَشَاكِلَ.

راهنمای تصحیح >> الف) تَهَرَّبَ (صفحه ۲۵/۰) ب) خُسُونَةُ (صفحه ۲۹)

ب) خُسُونَةُ (صفحه ۲۵/۰) ب) خُسُونَةُ (صفحه ۵۲)

Hint دقت کنید که کلمه «خَشِنَ: زبر» متضادّ کلمه «لَين: نرم» است نه «لین: نرمی».

پاسخ خیلی تشریحی ✓ الف) فَرٍّ = تَهَرَّبَ (فرارکرد)

ب) لین (نرمی) ≠ خُسُونَةُ (سختی)

۳ عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ حَسَبَ الْمَعْنَى أَوْ الْقَوَاعِدِ: (۵/۰ نمره)

الف) جُدوع - بُذور - حُبوب - فُسُوق

ب) إِنْ - مِنْ - مَا - إِذَا

راهنمای تصحیح >> الف) فُسُوق (۲/۰۵) (صفحه ۲)

ب) مِنْ (۲/۰۵) (صفحه ۲۴)

پاسخ خیلی تشریحی ✓ الف) ترجمه کلمات: تنه‌ها - دانه‌ها - دانه‌ها - آلوده شدن به گناه ☒

ب) اگر - از ☒ - هرچه - هرگاه، اگر («مِنْ» حرف جرّ است، ولی سایر گزینه‌ها ادات شرط هستند).

۴ اُکْتُبِ الْمَفْرَدَ أَوْ الْجَمْعَ لِمَا تَحْتَهُ حَظٌّ: (۵/۵ نمره)

الف) ما سِرُّ نَجَاحِكَ فِي هَذِهِ الْمُبَارَاةِ؟

ب) اِتَّقُوا مَوَاضِعَ الشُّهْمِ.

راهنمای تصحیح « الف) الْمُبَارَاةِ (۵/۲۵) (صفحة ۴۰)

ب) مَوَاضِعَ (۵/۲۵) (صفحة ۵۱)

۵ ترجم عبارات التالیة إلی الفارسیة: (۴/۵ نمره)

- (الف) ﴿إِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا﴾ (۵/۵)
- (ب) هَؤُلَاءِ الرِّجَالُ تَكَلَّمُوا حَتَّى يُعْرِفُوا فَإِنَّ الْمَرْءَ مَخْبُوءٌ تَحْتَ لِسَانِهِ. (۱)
- (ج) قَدْ أَصِفُ مُوَاصِفَاتِ التَّلَامِيذِ الْمُشَاغِبِينَ، مِنْ أَهَمِّهَا أَنَّهُمْ يُزْعِجُونَ الْآخَرِينَ بِكَلَامِهِمْ. (۱)
- (د) عَالِمٌ يُنْتَفِعُ بِعِلْمِهِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ عَابِدٍ. (۵/۵)
- (هـ) طُوبَى لِمَنْ يَعْلَمُ أَنَّ الْكَلَامَ أَقْوَى مِنَ السَّلَاحِ قُرْبَ كَلَامِ كَالْحُسَامِ. (۱)
- (و) شَرُّ النَّاسِ ذُو الْوَجْهَيْنِ. (۵/۵)

راهنمای تصحیح

- (الف) هرگاه نادانان آن‌ها را خطاب کنند (۵/۲۵)، سخن آرام می‌گویند. (صفحه ۲۶)
- (ب) این مردان سخن گفتند (۵/۲۵) تا شناخته شوند (۵/۲۵)، زیرا انسان (۵/۲۵) زیر زبانش پنهان است. (۵/۲۵)
- (صفحه ۵۱)
- (ج) ویژگی‌های دانش‌آموزان اخلاق‌گر (۵/۲۵) را گاهی توصیف می‌کنم (۵/۲۵)، از مهم‌ترین آن‌ها (۵/۲۵) این است که آنان دیگران را با سخنان آزار می‌دهند. (۵/۲۵) (صفحه‌های ۲۱ و ۳۴)
- (د) دانشمندی که از علمش سود برده می‌شود (شود) (۵/۲۵) از هزار عبادت‌کننده بهتر است. (۵/۲۵) (صفحه ۳۹)
- (هـ) خوشا به حال کسی که می‌داند (۵/۲۵) که سخن قوی‌تر از سلاح است (۵/۲۵) چه بسا کلامی که (۵/۲۵) مانند شمشیر است. (۵/۲۵) (صفحه ۵۱)
- (و) بدترین مردم (۵/۲۵) [شخص] دورو است. (۵/۲۵) (صفحه ۸)

درس‌Box

- ۱) عبارت «الف» ← در جملات شرطی اگر فعل شرط یا جواب شرط ماضی باشد، مجازیم آن را به شکل ماضی یا مضارع ترجمه کنیم. در این عبارت، فعل‌های «خاطَبَ» و «قالوا» ماضی هستند، ولی چون جمله شرطی است، می‌توانیم آن‌ها را به شکل مضارع ترجمه کنیم.
- ۲) عبارت «ب» ← فعل مضارعی که علامت حرف اولش «و» علامت عین‌الفعل (دومین حرف اصلی) آن «هـ» باشد، مجهول است و باید آن را به همراه شکلی از فعل کمکی «می‌شود» ترجمه کنیم. در این عبارت، فعل «حَتَّى يُعْرِفُوا» مضارع مجهول است، در نتیجه به شکل «تا شناخته شوند» ترجمه می‌شود.
- ۳) عبارت «ج» ← ساختار قَدْ + فعل مضارع را به دو شکل «گاهی + مضارع اخباری» یا «شاید + مضارع التزامی» ترجمه می‌کنیم، بنابراین فعل «قَدْ أَصِفُ» به معنی «گاهی توصیف می‌کنم» یا «شاید توصیف کنم» است.
- ۴) عبارت ج ← «أَهَمُّ» اسمی بر وزن «أَفَلَّ» است، در نتیجه اسم تفضیل بوده و باید آن را همراه «تر» یا «ترین» ترجمه کنیم. در این عبارت، «مِنْ أَهَمِّهَا» یعنی «از مهم‌ترین آن‌ها».
- ۵) عبارت «د» ← همانطور که در نکته شماره ۲ ذکر کردیم در این عبارت، فعل «يُنْتَفِعُ» مضارع مجهول است، در نتیجه آن را به شکل «سود برده می‌شود» ترجمه می‌کنیم.
- ۶) مورد «هـ» ← کلمه «أَقْوَى» اسمی است بر وزن «أَفْعَلُ»، در نتیجه اسم تفضیل بوده و باید آن را همراه «تر» یا «ترین» ترجمه کنیم. در این عبارت، «أَقْوَى مِنْ» یعنی «قوی‌تر از».

۶ انتخابِ الصَّحیحِ فی التَّرْجَمَةِ: (۵/۰ نمره)

الف) لَا تَقْفُ مَنْ لَيْسَ سُلُوكُهُ جَمِیلاً:

- ۱) با کسی که رفتار او زیبا نیست، دوستی نکن.
 - ۲) از کسی که رفتارش زیبا نیست، پیروی نکن.
- ب) رَأَيْتُ شَجَرَةً عَجِیْبَةً. الشَّجَرَةُ كَانَتْ تَنْبُثُ فِي الْجُرُزِ الْإِسْتَوَائِيَّةِ:
- ۱) درخت عجیبی را دیدم. آن درخت در جزیره‌های استوایی می‌روید.
 - ۲) درختی عجیب را دیدم. این درخت در جزیره‌های استوایی می‌روید.

راهنمای تصحیح «الف) گزینه ۲» (۲۵/۰) (صفحه ۵۰)

ب) گزینه ۱ «۱» (۲۵/۰) (صفحه ۳۴)

پاسخ‌دهی تشریحی ✓

- الف) «لَا تَقْفُ» یعنی «پیروی نکن» نه «دوستی نکن».
- ب) «كَانَتْ تَنْبُثُ» از ترکیب «كَانَ + فعل مضارع» تشکیل شده است، در نتیجه معادل ماضی استمراری است. در گزینه ۲) فعل «می‌روید» مضارع اخباری است، نه ماضی استمراری.

رَأَيْتُ شَجَرَةً كَانَتْ الشَّجَرَةُ تُعْطِي أَثْمَاراً طَوْلَ السَّنَةِ. (۲۵/۰ نمره) (فرداد ۱۴۰۲)

- الف) درختی را دیدم. آن درخت در طول سال میوه می‌داد. ☐
- ب) درختی را دیدم. درخت همواره در طول سال میوه می‌دهد. ☐
- پاسخ: گزینه ۱ «۱» (۲۵/۰) (كَانَتْ ... تُعْطِي) معادل ماضی استمراری است. ← میوه می‌داد ☒ میوه می‌دهد ☒

۷ کَمِّلِ الْفَرَائِغَاتِ فِي التَّرْجَمَةِ الْفَارْسِيَّةِ: (۱/۵ نمره)

الف) عَلَيْنَا أَنْ نَبْتَغِدَ عَنِ الْعُجْبِ وَ لَا نَلْمِزَ الْآخَرِينَ.

بر ماست که از دوری کنیم و از دیگران

ب) ﴿وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى﴾

و آخرت و است.

ج) كَاذُ الْعَدُوِّ أَنْ يَنْسَجِبَ وَ نَصِيرُ نَاجِحِينَ.

..... که دشمن و ما پیروز شویم.

راهنمای تصحیح >> الف) خودپسندی / عیب نگیریم، عیب جویی نکنیم (۵/۰) (هر مورد ۲/۵) (صفحه‌های ۲ و ۳)

ب) بهتر / ماندگارتر، پایدارتر (۵/۰) (هر مورد ۲/۵) (صفحه ۹)

ج) نزدیک بود / عقب‌نشینی کند (۵/۰) (هر مورد ۲/۵) (صفحه‌های ۲۱ و ۲۸)

الف) کلمه «العجب» یعنی «خودپسندی» و «لا نلْمِزَ» یعنی «عیب نگیریم، عیب جویی نکنیم».

ب) دقت کنید که «خیر: بهتر» و «أَبْقَى: ماندگارتر» اسم تفضیل هستند، پس باید در ترجمه‌شان از «تر» یا «ترین» استفاده کنیم.

ج) «كَاذُ» یعنی «نزدیک بود» و «أَنْ يَنْسَجِبَ» یعنی «که عقب‌نشینی کند».

پاسخ خیلی تشریحی ✓

۸ ترجم الأفعال: (۱/۵ نمره)

- (تَذَكَّرُ: به یاد آوردن)
الف) قَدْ تَذَكَّرْتُ:
ب) سَتَذَكَّرُ:
ج) هُمْ تَذَكَّرُوا:
د) لَا تَتَذَكَّرِي:
ه) لَا يَتَذَكَّرُونَ:
و) أَنْتُمْ تَذَكَّرُوا:

راهنمای تصحیح

- الف) به یاد آورده‌ای (۰/۲۵)
ب) به یاد خواهیم آورد (۰/۲۵)
ج) آن‌ها به یاد آوردند (۰/۲۵)
د) یه یاد نیاور (۰/۲۵)
ه) یه یاد نمی‌آورند (۰/۲۵)
و) شما به یاد بیاورید (۰/۲۵) (صفحه ۲۸)

پاسخ خیلی تشریحی

- الف) معادل ماضی نقلی و مفرد مذکر مخاطب (قد + فعل ماضی: ماضی نقلی)
ب) فعل مستقبل و متکلم مع الغیر (سَ + فعل مضارع: مستقبل)
ج) فعل ماضی و جمع مذکر غایب
د) فعل نهی و مفرد مؤنث مخاطب
ه) فعل مضارع منفی و جمع مذکر غایب
و) فعل امر و جمع مذکر مخاطب

در باب‌های تَفَعَّلَ و تَفَاعَلَ، در صیغه‌هایی که فعل به یکی از شناسه‌های «ا - وا - ن» ختم بشود، فعل امر و ماضی عیناً مثل هم می‌شوند. بنابراین:

- تَفَعَّلَا، تَفَعَّلُوا، تَفَعَّلْنَ ← هم ماضی غایب ☒ هم امر مخاطب ☒
تَفَاعَلَا، تَفَاعَلُوا، تَفَاعَلْنَ ← هم ماضی غایب ☒ هم امر مخاطب ☒
مثال ☒ تَفَرَّقُوا ← امر ☒ (امر از «تَتَفَرَّقُونَ») ماضی ☒ (ماضی از «تَفَرَّقَ»)
مثال ☒ تَوَاصَعْنَ ← ماضی ☒ (ماضی از «تَوَاصَعَ») امر ☒ (امر از «تَتَوَاصَعْنَ»)
مثال ☒ تَعَاوَنَا ← ماضی ☒ (ماضی از «تَعَاوَنَ») امر ☒ (امر از «تَتَعَاوَنَانِ»)

در این صورت چه طور باید تشخیص دهیم که امر است یا ماضی؟

از طریق غایب یا مخاطب بودن جمله!

اگر فعل برای غایب به کار رفته باشد ← ماضی است.

اگر فعل برای مخاطب به کار رفته باشد ← امر است.

مثال $\leftarrow$ «تَعَلَّمُوا» به «وا» ختم شده و چون از باب خاص «تَفَعَّل» است ممکنه ماضی یا امر مخاطب باشد. با توجه به ضمیر «هم» می فهمیم که جمله غایبه و نمی تونه امر مخاطب باشه، بنابراین ماضیه! (درس هایشان را یاد گرفتند.)

• $\leftarrow$ «تَعَلَّمُوا» به «وا» ختم شده و چون از باب خاص «تَفَعَّل» است ممکنه ماضی یا امر مخاطب باشد. با توجه به ضمیر «کم» می فهمیم که جمله مخاطبه پس امر مخاطب هست! (درس هایتان را یاد بگیرید.)
توجه! اگر فعل، خارج از جمله باشد و یا غایب یا مخاطب بودن جمله مشخص نباشد می گوییم که فعل، هم ماضی است و هم امر!

مثال $\leftarrow$ «تَعَلَّمُوا الدُّرُوسَ» «هم می تواند ماضی باشد و هم امر! (درس ها را یاد گرفتند.) / درس ها را یاد بگیرید.)

← در این سؤال، فعل «تَذَكَّرُوا» در مورد «ج» در کنار ضمیر غایب «هم» به کار رفته است، در نتیجه ماضی است، ولی در مورد «و» در کنار ضمیر مخاطب «أنتم» به کار رفته است، در نتیجه امر است.

۹ عَيَّنِ الْفِعْلَ الْمُنَاسِبَ لِلْفَرَاغِ: (۷۵/۰ نمره)

- الف) عَلَيَّ أَنْ الْكُتُبَ التَّرْبَوِيَّةَ.
 ب) الْمُتَكَلِّمُ بِكَلَامِهِ.
 ج) مَنْ فَكَّرَ قَبْلَ الْكَلَامِ مِنَ الْخَطِّ غَالِبًا.
- نُطَالِع □ يُطَالِع □ أُطَالِع
 □ تَعْرِفُ □ يَعْرِفُ □ يُعْرِفُ
 □ يَسَلِّم □ يُسَلِّم □ سَلِّم

راهنمای تصحیح << الف) أُطَالِع (۷۵/۰) (صفحه ۲۰)

ب) يُعْرِفُ (۷۵/۰) (صفحه ۵۱)

ج) يَسَلِّمُ (۷۵/۰) (صفحه ۲۴)

پاسخ خیلی تشریحی ✓

الف) ترجمه عبارت: «بر من است که (من باید) کتاب‌های تربیتی را مطالعه کنم.» ← دقت کنید که «عَلَيَّ» از «عَلَى + ي» تشکیل شده است. حال با توجه به ضمیر «ي» باید یک فعل متکلم وحده انتخاب کنیم، در نتیجه «أطالع» صحیح است.

ب) ترجمه عبارت: «گوینده با سخنش شناخته می‌شود.» ← با توجه به معنی جمله به یک فعل مجهول نیاز داریم، در نتیجه «يُعْرِفُ» شناخته می‌شود» صحیح است نه «يَعْرِفُ» می‌شناسد».

ج) ترجمه عبارت: «هرکس قبل از سخن گفتن فکر کند، غالباً از اشتباه در امان می‌ماند.» ← با توجه به معنی جمله فعل «يَسَلِّم» در امان می‌ماند» صحیح است نه «سَلِّم: سلام کرد» و «يُسَلِّم: سلام می‌کند».

۱۰ عَيْنِ اسْمِ الْمَكَانِ أَوْ اسْمِ التَّفْضِيلِ فِي الْعِبَارَاتِ ثُمَّ تَرْجِمُهُ: (۱ نمره)

- الف) فِي خَوْزِسْتَانَ تُوْجِدُ مَكْتَبَةً كَبِيرَةً أَحِبَّهَا جِدًّا. /
- ب) أَهْدَى أَبِي إِلَيَّ جُمْلَةً: «صَدَاقَةُ الْجَاهِلِ شَرٌّ مِنْ عَدَاوَةِ الْعَاقِلِ». /

راهنمای تصحیح: الف) مَكْتَبَةٌ / کتابخانه (۵/۰) (هر مورد ۲۵/۰) (صفحه ۹)

ب) شَرٌّ / بدتر (۵/۰) (هر مورد ۲۵/۰) (صفحه ۷)

پاسخ خیلی تشریحی ✓ الف) «مَكْتَبَةٌ» بر وزن «مَفْعَلَةٌ» و اسم مکان است. دقت کنید که «خوزستان» اسم مکان نیست، چراکه بر وزن‌های اسم مکان نیست.

ب) کلمه «شَرٌّ» در این عبارت به معنی «بدتر» است، در نتیجه اسم تفضیل به حساب می‌آید. خیلی دقت کنید که کلمه «أَهْدَى» در این عبارت به معنی «هدیه کرد» است، در نتیجه فعل است نه اسم تفضیل!

۱- کلمات «خَيْرٌ» و «شَرٌّ» معانی مختلفی دارند. این دو کلمه اگر معنای «بهتر، بهترین / بدتر، بدترین» داشته باشند اسم تفضیل هستند، در غیر این صورت اسم تفضیل نیستند.

- ❑ مثال شَرُّ النَّاسِ مَنْ لَا يَعْتَقِدُ الْأَمَانَةَ. ← بدترین مردم کسی است که به امانت اعتقاد نداشته باشد. اسم تفضیل
- أَحَبُّ أَنْ أَقُومَ بِأَعْمَالِ الْخَيْرِ. ← دوست دارم که به کارهای خوب بپردازم. اسم تفضیل

کلمات «الْخَيْرُ» و «الشَّرُّ» هیچ‌گاه اسم تفضیل نیستند، چون هر وقت ترجمه‌شان کنیم معنای تفضیلی نخواهند داشت.

- ❑ مثال الْخَيْرُ فِي مَا وَقَعَ ← خوبی در آن چیزی است که اتفاق افتاده است. اسم تفضیل

۲- اسم مکان ← اسم‌هایی هستند که بر یک جا و مکان دلالت دارند و بر یکی از وزن‌های «مَفْعَلٌ»، «مَفْعِلٌ» و یا «مَفْعَلَةٌ» به کار می‌روند.

❑ مثال

مَلْعَبٌ: ورزشگاه	مَطْعَمٌ: رستوران	مَصْنَعٌ: کارخانه	مَطْبَخٌ: آشپزخانه
مَتَجَرٌ: مغازه	مَنْزِلٌ: خانه	مَطْبَعَةٌ: چاپخانه	مَكْتَبَةٌ: کتابخانه

• اسم‌هایی که معنای مکان دارند، اما بر وزن‌های اسم مکان نیستند را نباید به اشتباه اسم مکان در نظر بگیریم.

- ❑ مثال بَيْتٌ (خانه) / خَارِجٌ (بیرون) / فَوْقَ (بالا) / تَحْتَ (زیر) / شَارِعٌ (خیابان) / إِيْرَانُ / آسیا و ... ← اسم مکان

• اسم‌هایی که بر وزن اسم مکان هستند، به شرط آن اسم مکان محسوب می‌شوند که معنای مکان هم داشته باشند.

- ❑ مثال مَفْسَدَةٌ (مایه تباهی) ← اسم مکان

مَعْرِفَةٌ (شناختن) ← اسم مکان ❑ (این که اصلاً وزن اسم مکان هم نداشت!) «مَفْعَلَةٌ» اسم مکان نیست، اون «مَفْعَلَةٌ» بود. اشتباه نگیرینش!

درس Box

نکته

عَيِّنُ اسْمَ الْفَاعِلِ وَ اسْمَ الْمَفْعُولِ فِي الْآيَةِ الشَّرِيفَةِ وَ الْعِبَارَةِ التَّالِيَةِ: (۵/۰ نمره)

﴿... يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَ مُخْرِجُ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَيِّ﴾ - عَلَيْنَا أَنْ لَا نَتَدَخَّلَ فِي مَوْضِعٍ يَعْرِضُ أَنْفُسَنَا لِلتَّهْمِ.

الف) اسم الفاعل:

ب) اسم المفعول:

راهنمای تصحیح >> الف) مُخْرِجُ (صفحه ۳۳/۰/۲۵)

ب) مَوْضِعُ (صفحه ۵۰/۰/۲۵)

✓ پاسخ خیلی تشریحی الف) «مُخْرِجُ» دارای ساختار «مُد ... ـ ـ ـ است» است، در نتیجه اسم فاعل است.

ب) «مَوْضِعُ» بر وزن «مَفْعُول» است، در نتیجه اسم مفعول است.

۱۲ عَيْنِ الْكَلِمَةِ الْغَرِيبَةِ حَسَبَ قَوَاعِدِ الْمَعْرِفَةِ وَ النَّكِرَةِ: (۰/۷۵ نمره)

الف) ذِكْرِي / مُحَمَّدٌ / التَّمَال

ب) الْبِرَازِيل / الْحُسَيْن / الْحَدِيقَةُ

ج) مُؤْمِنُونَ / إِمْرَأَةٌ / مُحَمَّدٌ

راهنمای تصحیح

الف) ذِكْرِي (۰/۲۵) (صفحه ۴۷)

ب) الْحَدِيقَةُ (۰/۲۵) (صفحه ۴۷)

ج) مُحَمَّدٌ (۰/۲۵) (صفحه ۴۷)

پاسخ خیلی تشریحی

الف) «ذِكْرِي» نکره است، ولی «مُحَمَّدٌ» معرفه به علم و «التَّمَال» معرفه به «ال» است.

ب) «الْحَدِيقَةُ» معرفه به «ال» است، ولی «الْبِرَازِيل» و «الْحُسَيْن» هر دو معرفه به عِلْم هستند.

ج) «مُحَمَّدٌ» اسم علم و در نتیجه معرفه است، ولی «مُؤْمِنُونَ» و «إِمْرَأَةٌ» نکره هستند.

درس Box

۱- آیا هر کلمه‌ای اولش «ال» داشته باشد معرفه به «ال» هست؟

نه، فقط زمانی می‌گوییم یک اسم معرفه به «ال» است که اگر الف و لامش را حذف کنیم اسم باقی‌مانده نکره باشد.

مثال «الْصُّورَةُ: تصویر» ← ال + صُورَة (نکره) ← «الْصُّورَةُ» معرفه به «ال» است.

«التَّجَفُّفُ» ← ال + نَجْف (اسم علم) ← «التَّجَفُّفُ» معرفه به «ال» نیست!

ضمناً گاهی «ال» جزئی از خود کلمه هست و در این صورت آن کلمه معرفه به «ال» نیست!

مثال «التَّقَاطُ: عکس گرفتن» (البته این کلمه مصدر باب «إِفْتِعَال» است و تَلَقُّظ صحیح آن «إِلْتِقَاط» می‌باشد)

یعنی اصلاً «أل» نداره!، «التزام: پایبند بودن» و ...

۲- آیا همه اسم‌های نکره تنوین دارند؟

نه، اسم‌های نکره لزوماً تنوین ندارند! معروف‌ترین اسم‌هایی که در حالت نکره تنوین نمی‌گیرند جمع‌های مذکر

سالم و اسم‌های مثنی هستند. (البته غیر از این دو گروه اسم‌های دیگری هم هستند که در تست‌ها با آن‌ها

برخورد خواهیم داشت!) مثال مُعَلِّمِينَ ← نکره است اما تنوین ندارد!

۳- آیا هر اسمی تنوین داشته باشد نکره است؟

هر اسمی تنوین داشته باشد نکره است به شرطی که اسم علم نباشد!

مثال رَجُلٌ ← نکره ☒ عَلِيٌّ ← نکره ☐

۱۳ عَيْنِ الصَّحِيحِ: (۵/۰ نمره)

الف) سَبْعُونَ نَاقِصٌ سَبْعَةٍ يُسَاوِي

(۱) ثَلَاثَةٌ وَ تِسْعِينَ (۲) ثَلَاثَةٌ وَ سِتِّينَ

ب) التَّرْجَمَةُ لِـ «تَارِيخٌ ذَهَبِيٌّ»:

(۱) تاریخ طلائی (۲) تاریخ زرینی

راهنمای تصحیح

الف) گزینه «۲» (ثَلَاثَةٌ وَ سِتِّينَ) (۲۵/۰) (ص ۱۶)

ب) گزینه «۲» (تاریخ زرینی) (۲۵/۰) (ص ۴۳)

پاسخ خیلی تشریحی

الف) هفتاد منهای هفت مساوی است با (۱) نود و سه (۲) شصت و سه ☒

ب) «تاریخ ذَهَبِيٌّ» نکره است، در نتیجه باید به همراه «ی» یا «یک» ترجمه شود، در نتیجه «تاریخ زرینی» صحیح است. دقت کنید که کلمه «طلائی» معرفه است نه نکره.

درس Box

آیا در فارسی هر اسمی به «ی» ختم شده باشد حتماً نکره است؟

نه، در موارد زیر «ی» نشانه نکره نیست:

۱- در عربی به اسم‌هایی که به «ی» و «یة» ختم می‌شوند اسم منسوب (همون صفت نسبی فارسی) می‌گویند و در ترجمه هم به «ی» ختم می‌شوند (همون «ی» نسبت فارسی) که نباید آن را با «ی» نکره اشتباه بگیریم!

مثال ایران: ایران ← الإیرانی (= الإیرانیة): ایرانی ☒ یک ایرانی ☒

الخَشَب: چوب ← الخَشَبِي (= الخَشَبِيَّة): چوبی

«فُرْصٌ ذَهَبِيَّةٌ» ← فرصت‌های طلائی ☒ فرصت‌های طلائی ☒ فرصت‌های طلائی ای ☒ (الفُرْصُ الذَّهَبِيَّةُ: فرصت‌های طلائی)

«أَمْوَاجٌ صَوْتِيَّةٌ» ← موج‌های صوتی ☒ موج‌هایی صوتی ☒ موج‌های صوتی ای ☒ (الأَمْوَاجُ الصَّوْتِيَّةُ: موج‌های صوتی)

۲- برخی مصدرها در فارسی به «ی» (همون «ی» مصدرساز فارسی) ختم می‌شوند که نباید آن را با «ی» نکره اشتباه بگیریم!

مثال زیبایی، سلامتی، زندگی، خوشحالی، شادی، خوبی، بدی و ... (اینا همه معرفه هستن!)

عین أداة الشرط و جواب الشرط في العبارة التالية. (۵/۰ نمره) ۱۴

مَنْ خَافَ النَّاسَ مِنْ لِسَانِهِ فَهُوَ مِنْ شَرِّ الْعِبَادِ.

الف) أداة الشرط:

ب) جواب الشرط:

راهنمای تصحیح >> الف) مَنْ (۲۵/۰) (صفحة ۲۴)

ب) هُوَ مِنْ شَرِّ الْعِبَادِ (۲۵/۰) (صفحة ۲۴)

عَيْنِ الصَّحِيح: (۰/۷۵ نمره) ۱۵

- الف) إِذَا غَضِبْتَ فَاسْكُتْ. ☐ (۱) الْجُمْلَةُ شَرْطِيَّةٌ ☐ (۲) الْجُمْلَةُ لَيْسَتْ شَرْطِيَّةٌ
- ب) مَا عَمِلَ النَّاسُ عَمَلًا أَحَلَّ وَلَا أَطْيَبَ مِنَ الزَّرَاعَةِ. ☐ (۱) الْجُمْلَةُ شَرْطِيَّةٌ ☐ (۲) الْجُمْلَةُ لَيْسَتْ شَرْطِيَّةٌ
- ج) مَا تَزْرَعَنَّ فِي الدُّنْيَا تَحْصُدَنَّ فِي الْآخِرَةِ. ☐ (۱) الْجُمْلَةُ شَرْطِيَّةٌ ☐ (۲) الْجُمْلَةُ لَيْسَتْ شَرْطِيَّةٌ

راهنمای تصحیح: الف) گزینه «۱» (۰/۲۵) (صفحه ۳۰)

ب) گزینه «۲» (۰/۲۵) (صفحه ۲۴)

ج) گزینه «۱» (۰/۲۵) (صفحه ۲۵)

پاسخ خیلی تشریحی ✓ ترجمه گزینه‌ها:

- الف) هرگاه خشمگین شدی سکوت کن. ← جمله شرطی است.
- ب) مردم کاری را حلال تر و پاک تر از کشاورزی انجام نداده‌اند. ← «ما» در این عبارت ادات شرط نیست، بلکه مای نافیة است و «ما عَمِلَ» ماضی منفی است. ← جمله شرطی نیست.
- ج) هرچه در دنیا بکارید، در آخرت درو می‌کنید. ← جمله شرطی است.

۱۶ ترجم فعل الشرط: «مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ وَ لَمْ يَتَّشَبْ فَهُوَ مِنَ الظَّالِمِينَ» (۰/۲۵ نمره)

راهنمای تصحیح « انجام دهد (۰/۲۵) (صفحه ۳)

پاسخ خیلی تشریحی ✓ فعل «يَفْعَلْ» فعل شرط است، در نتیجه باید به شکل مضارع التزامی ترجمه شود، بنابراین «انجام دهد» صحیح است.

الف) عَيْنُ فِعْلِ الشَّرْطِ: ﴿وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمُهُ اللَّهُ﴾ (۰/۵ نمره) (فردار ۱۴۰۴)

ب) تَرْجُمُ جَوَابِ الشَّرْطِ: مَنْ لَا يَسْتَمِعُ إِلَى الدَّرْسِ جَيِّدًا يَرْسُبُ فِي الْإِمْتِحَانِ.

پاسخ:

الف) تَفْعَلُوا (۰/۲۵)

ب) رد می شود. (توضیح: «يَرْسُبُ» جواب شرط است.) (۰/۲۵)

نهایی

۱۷ عَيْنِ الْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ لِلْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ: (۱ نمره)

الف) النَّاسُ أَعْدَاءُ مَا جَهِلُوا.

ب) شَجَرَةُ الْبَلَوِّطِ هِيَ مِنَ الْأَشْجَارِ الْمُعَمَّرَةِ وَقَدْ تَبَلَّغَ مِنَ الْعُمُرِ أَلْفِي سَنَةٍ.

راهنمای تصحیح >> الف) خبر - مضاف إليه (۰/۵) (هر مورد ۰/۲۵) (صفحه ۲۷)

ب) صفت - مفعول (۰/۵) (هر مورد ۰/۲۵) (صفحه ۳۵)

۱۸ ضَعُ في الفراغ كلمةً مناسبةً: (كلمتان زائدتان) (۱ نمره)

- (مَن - المَعْمَر - الحَكَم - إِنْ - المُرَاسِل - أَثْقَلَ)
(الف) لَيْسَ شَيْءٌ في المِيزَانِ مِنَ الخُلُقِ الحَسَنِ.
(ب) تُحَاوِلِي كَثِيرًا، تَصْلِي إِلَى أَهْدَافِكَ.
(ج) هُوَ الَّذِي يَتَكَلَّمُ مَعَ اللَّاعِبِينَ بَعْدَ المَسَابَقَاتِ.
(د) هُوَ الَّذِي يُعْطِيهِ اللَّهُ عُمُرًا طَوِيلًا.

راهنمای تصحیح >> (الف) أَثْقَلَ (۰/۲۵) (صفحه ۱۲)

(ب) إِنْ (۰/۲۵) (صفحه ۲۵)

(ج) المُرَاسِل (۰/۲۵) (صفحه ۴۰)

(د) المَعْمَر (۰/۲۵) (صفحه ۴۱)

پاسخ خیلی تشریحی ✓ (الف) چیزی سنگین تر از اخلاق خوب در ترازوی اعمال نیست. ← أَثْقَلَ

(ب) اگر بسیار تلاش کنی، به اهداف می رسی. ← إِنْ

(ج) خبرنگار کسی است که بعد از مسابقات با بازیکنان صحبت می کند. ← المُرَاسِل

(د) کهن سال کسی است که خداوند به او عمری طولانی می دهد. ← المَعْمَر

(کلمات «مَن: هرکس» و «الحَكَم: داور» اضافی هستند.)

ضَعُ في الفراغ كلمةً مناسبةً: (كلمتان زائدتان) (۱ نمره) (فردار ۱۴۰۳)

- (الفُسُق - الكبائر - المِيزَان - الحَسَنَة - المُسْتَشْرِق - التَّعَنُّث)
(الف) ﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ﴾
(ب) إِنَّ عَالِمٌ مِنَ الدُّوَلِ العَرَبِيَّةِ عَارِفٌ بِالثَّقَافَةِ الشَّرْقِيَّةِ.
(ج) طَرَحَ سَوَآلٍ صَعْبٍ يَهْدَفُ إِجَادَ مَشَقَّةٍ.
(د) لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلَ فِي مِنَ الخُلُقِ الحَسَنِ.

پاسخ:

(الف) الحَسَنَة (۰/۲۵)

(ب) المُسْتَشْرِق (۰/۲۵)

(ج) التَّعَنُّث (۰/۲۵)

(د) المِيزَان (۰/۲۵)

نهایی

عین الصّحیح: (۱ نمره) ۱۹

الف) الَّذِي يَصْدُقُ فِي كَلَامِهِ أَكْثَرُ مِنَ الْآخَرِينَ:	(۱) الصّادِق	(۲) المُصَدِّق	(۳) الأصْدَق
ب) الَّذِي يُرْسِلُ شَخْصًا لِمَكَانٍ:	(۱) المرّسل	(۲) المرّسل	(۳) الإرسال
ج) الَّذِي يَكْذِبُ كَثِيرًا:	(۱) الكاذِب	(۲) الكَذّاب	(۳) الكَذِب
د) مَكَانٌ يَذْهَبُ النَّاسُ إِلَيْهِ لِاشْتِرَاءِ الطَّعَامِ:	(۱) المَطْبَخ	(۲) المَطْعَم	(۳) المَطْبَعَة

راهنمای تصحیح «الف» «۳» یا الأصْدَق (۰/۲۵) (صفحه ۶)

ب) «۱» یا المرّسل (۰/۲۵) (صفحه ۶)

ج) «۲» یا الكَذّاب (۰/۲۵) (صفحه ۳۷)

د) «۲» یا المَطْعَم (۰/۲۵) (صفحه ۲۵)

پاسخ خیلی تشریحی ✓ الف) کسی که در کلام خود، بیشتر از دیگران راست می گوید: (۱) راستگو/ (۲) باورکننده/ (۳) راستگوتر، راستگوترین ✓

ب) کسی که فردی را به جایی می فرستد: (۱) فرستنده ✓/ (۲) فرستاده شده/ (۳) فرستادن

ج) کسی که بسیار دروغ می گوید: (۱) دروغگو/ (۲) بسیار دروغگو ✓/ (۳) دروغ

د) مکانی که مردم برای خریدن غذا به آن می روند: (۱) آشپزخانه/ (۲) رستوران ✓/ (۳) چاپخانه

۲۰. اِقْرَأِ النَّصَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ: (اِئْمَرِهِ)

«الشَّجَرَةُ الْخَائِقَةُ شَجَرَةٌ تَنْمُو فِي بَعْضِ الْغَابَاتِ الْإِسْتَوَائِيَّةِ. تَبْدَأُ حَيَاتُهَا بِاللِّتِفَافِ حَوْلَ جَذَعِ شَجَرَةٍ وَغُصُونِهَا

ثُمَّ تَخْتَفُّهَا تَدْرِيجِيًّا. يَوْجَدُ نَوْعٌ مِنْهَا فِي جَزِيرَةِ قِشْمِ الَّتِي تَقَعُ فِي مُحَافَظَةِ هَرْمُزْجَانِ.»

(الف) أَيْنَ تَنْمُو الشَّجَرَةُ الْخَائِقَةُ؟

(ب) فِي أَيِّ مُحَافَظَةِ إِيرَانَ الشَّجَرَةُ الْخَائِقَةُ مَوْجُودَةٌ؟

(ج) الشَّجَرَةُ الْخَائِقَةُ تَبْدَأُ حَيَاتُهَا بِاللِّتِفَافِ فَوْقَ غُصْنِ شَجَرَةٍ. ☐ غلط ☐ صحيح

(د) تُوجَدُ كُلُّ أَنْوَاعِ الشَّجَرَةِ الْخَائِقَةِ فِي إِيرَانَ. ☐ غلط ☐ صحيح

راهنمای تصحیح: (الف) تَنْمُو الشَّجَرَةُ الْخَائِقَةُ فِي بَعْضِ الْغَابَاتِ الْإِسْتَوَائِيَّةِ. (۰/۲۵)

(ب) فِي مُحَافَظَةِ هَرْمُزْجَانِ. (۰/۲۵)

(ج) غلط (۰/۲۵)

(د) غلط (۰/۲۵) (صفحه ۳۴ و ۳۵)

پاسخ خیلی تشریحی ✓ ترجمه متن:

درخت خفه کننده درختی است که در برخی از جنگل های استوایی رشد می کند. آن زندگی خود را با پیچیدن دور تنه یک درخت و شاخه های شروع می کند، سپس به تدریج آن را خفه می کند. نوعی از آن در جزیره قشم که در استان هرمزگان قرار دارد، وجود دارد (یافت می شود).

(الف) درخت خفه کننده در کجا رشد می کند؟ «فِي بَعْضِ الْغَابَاتِ الْإِسْتَوَائِيَّةِ: در برخی از جنگل های استوایی.»

(ب) در کدام استان ایران درخت خفه کننده وجود دارد؟ «فِي مُحَافَظَةِ هَرْمُزْجَانِ: در استان هرمزگان.»

(ج) درخت خفه کننده زندگی خود را با پیچیدن روی شاخه یک درخت آغاز می کند. ← غلط (با پیچیدن دور تنه یک درخت آغاز می کند نه شاخه یک درخت.)

(د) تمام انواع درخت خفه کننده در ایران وجود دارد. ← غلط (در متن ذکر شده که «يَوْجَدُ نَوْعٌ مِنْهَا فِي جَزِيرَةِ قِشْمِ: یک نوع از آن در جزیره قشم وجود دارد.» نه همه انواع آن.)

۲۱ أَجِبْ عَنْ هَذَيْنِ السُّؤَالَيْنِ: (۵/۰ نمره)

الف) لِمَ هَذِهِ الْمَلَابِيسُ غَالِيَةٌ؟

□ (۱) لِأَنَّهَا بَعْدَ التَّخْفِيفِ. □ (۲) لِأَنَّ لَهَا نَوْعِيَّةً حَسَنَةً.

ب) هَلْ وَزْنُ جَمْعِ التَّكْسِيرِ لِاسْمِ الْمَكَانِ «أَفَاعِلُ»؟

راهنمای تصحیح «الف» گزینه «۲» (۲۵/۰ صفحه ۱۰)

ب) لا (۲۵/۰ صفحه ۹)

پاسخ خیلی تشریحی ✓ الف) چرا این لباس ها گران هستند؟ (۱) زیرا بعد از تخفیف است. (۲) زیرا جنس خوبی دارند. □

ب) آیا وزن جمع مکسر اسم مکان «أَفَاعِلُ» است؟ نه، «مَفَاعِلُ» صحیح است.

مثال جمع مکسر «مَسْجِدُ» ← مَسَاجِدُ

- جمع مکسر «مَدْرَسَةُ» ← مَدَارِسُ